**بسم الله الرحمن الرحیم**

**خبر واحد**

**بحث انسداد**

**استاد آیت الله عندلیب همدانی**

**جلسه پانزدهم\_20 آبان 1398**

کلام به اینجا منتهی شد که با وجود علم اجمالی به تکالیف الزامیه من الواجبات و المحرمات نمی توان به اصالة البرائة مراجعه کرد، سه وجه را مرحوم شیخ برای این مدعا بیان فرمود، مرحوم میرزای قمی رضوان الله علیه به تبع صاحب معالم و شیخ البهائی می گوید نمی شود به اصالة البرائة رجوع کرد منتهی راهی که این اعاظم بزرگ و محترم طی فرموده­اند راهی غیر از راه شیخ است اگر چه مدعا یکی است، این آقایانی می گویند اصالة البرائه دلیل اعتبارش این است که مظنه می آورد به عدم تکلیف، کجا ظن به عدم تکلیف داریم؟ جایی که ظن به وجود تکلیف نداشته باشیم. با وجود این همه روایات و امارات که مظنه اور هستند چگونه شما ظن به عدم تکلیف پیدا می کنید تا اصالة البرائة جاری شود؟

خب اگر تا اینجا باشد جواب شیخ این بود که ما قبول نداریم اصالة البرائه از باب افاده ظن معتبر است. اصالة البرائة از باب حکم عقلی است به قبح عقاب بلا بیان. این جواب کلام میرزای قمی. داشته باشید که کلمات شیخ نسبت به قبح عقاب بلا بیان مختلف است از برخی جاها استفاده می شود این قاعده را قبول ندارد و لی اینجا فرمود از باب عقل قطعی.

بر می گردیم به فرمایشی میرزای قمی. قسمتی اش را عرض کردیم و اشکال کردیم.

جناب میرزای قمی در برابر شما که اصالة البرائه را از باب ظن معتبر می کنید یک عده ان را حکم عقل می دانید جواب این ها را چه میدهید؟ میرزا می فرماید من حرف ان ها را دو شق می کنم و طبق هر یک پاسخ می دهم. می گویم این که می گویید اصالة البرائه حکم عقل است، حکم قطعی عقل است یا حکم ظنی عقل.اگر مراد حکم قطعی است اولا اختلاف اصولیین در این که قاعده قبح عقاب بلا بیان داریم یا نداریم، یکشف عن عدم کونه قطعیات. و الا اگر قطعی باشد که مورد اختلاف واقع نمی شود هم از گذشتگان و هم از معاصرین داریم کسانی که قاعده قبح عقاب بلا بیان را قبول ندارند ثانیا سلمنا قاعده فی الجمله قطعی است اما باید دید کجاست که قطعی است ان جایی است که هنوز شرع و شریعتی نباشد. قبل از ورود شرع است که ما قاعده قطعی برائت را داریم نه بعد ورود الشرع و بعد العلم اجمالا بوجود التکالیف فی العین.

ثانیا از این هم چشم پوشی کنیم ما وقتی در یک مساله خبر واحد صحیح داشته باشیم چگونه ادعا کنیم قظع به برائت داریم. بنابراین برائت قطعی نیست. این شق اول.

و اما شق دوم مراد این است که برائت حکم ظنی است. این حکم ظنی از کجا استفاده شده است؟ از ظاهر کتاب و روایات و هنوز هم این ظنون حجیتش بالخصوص اثبات نشده است. چطور شما استناد می کنید به ظن غیر اثبات شده در حجیت و مهمتر اینکه بعد از اینکه شما این مجموعه روایی را دارید و بعد از اینکه شما علم اجمالی دارید به وجود تکالیف، به عبارتٍ اخری بعد از اینکه شرع آمده است و تکالیفی را آورده است، چگونه شما رجوع به برائت ظنیه می کنید، فتحصل من جمیع کلمات المیرزا قدس سره به این که مقدمه دوم انسداد تام و تمام است . مقدمه دوم این بود که ما تکالیفی داریم، که نمی توانیم از مجموعه این تکالیف برائت جاری کنیم، شیخ هم مدعایش یکی بود منتها دلیل عدم جواز مراجعه به اصالة البرائه ان سه امری بود که فرمود؛ لذا از اینجا به بعد می خواهد جواب میرزا را بدهد نه اینکه با میرزا در مدعا مخالف باشد، با میرزا در دلیل مخالفت می کند.

اول صفحه 399 که می گوید و فیه. از این فیه میخواهد اشکال به روش میرزا داشته ابشد باز همان حرف قبلی خود را تکرار می کند که جناب میرزا اساس برهان شما مخدوش است چون اعتبار برائت را می خواهید از راه ظن درست کنید در حالی که اعتبار برائت از حکم عقل است و ان هم از نوع قطعی عقل و هیچ اختصاصی به حال دون حال ندارد که شما گفتید قبل از ورود الشرع است یا بعد ورود الشرع. حکم قطعی عقل به برائت هم قبل از ورود به شرع جای دارد و هم بعد از ان. و هیچ اختلافی هم بین عقلا در این حکم عقلی نیست.

آنهایی که گفتند برائت عقلیه نه و احتیاط آری از چه راهی گفتند و انما ذهب من ذهب الی وجوب الاحتیاط لزعم نصب الشارع البیان علی وجوب الاحتیاط من الآیات و الاخبار، آنی اخباریینی که به جای اینکه برائت عقلی را بپذیرند احتیاطی می شوند، نه از این جهت است که قبح عقاب بلا بیان را قبول ندارند، می گویند ما بیان داریم بر احتیاط نه این که اصل قبح عقاب بلا بیان مورد خدشه ان ها باشد ان ها هم قبول دارند که اگر بیانی نبود عقاب قبیح است. من که برائت جاری نمی کنم چون آیات و روایات داریم که بیان می کنیم برائت را.

و اما الخبر الصحیح، انکه مشا میرزای قمی می گفتید اگر خبر صحیحی باشد جای برائت نیست این خبر اگر دلیل اعتبار دارد و بیان است بله با وجود بیان نوبت به قاعده نمی رسد ولیا گر دلیل اعتبار ندارد ما اینجا لا بیان داریم و با وجود لا بیان برائت جاری است.

خلاصه هر کس که بخواهد از این قاعده فراگیر به نام قبح عقاب بلا بیان فرار کند باید او دلیلی بیاودکه ما اینجا دلیل داریم.پس هیچ مانعی ندارد ما ادعا کنیم اجماع بر برائت حتی مثل اخباریینی که احتیاطی هستند انها هم برائت عقلی را قبول دارند و اختلاف ما صغروی است که آیا بیان بر لزوم احتیاط داریم یا نه؟ اخباری می گوید . داریم.

پس نگوییم اصالة البرائه اجماعی نیست.

این راه مرحوم میرزا کافی نبود برای این که مقدمه انسداد درست شود راه همان بود که گفتیم.

مقدمه دوم این است که ما مجموعه از احکام شریعت داریم که و لو تفصیلا به انها آگاهی نداریم ولی می دانیم در مجموعه کتب روایی ما برخی از این روایات صدرت عن المعصوم و دالة علی وجوب امر او حرمة امر آخر و نمی توانیم نسبت به علم اجمالی خود را مکلف ندانیم نمی توانیم اصالة البرائة جاری کنیم..من شسیخ اصالة البرائه ایی هستم و من شیخ ادعا می کنم اصل برائت عقلی قطعی و اجماعی است. ولی ادعای من این است که این جا جای اصالة البرائه نیست جای اصالة البرائه این است که یک سری از احکام را کنار بگذارید نه یک مجموعه بزرگ از احکام را بخواهی کنار بگذارید این جا اجرای اصالة البرائه در مجموعه احکام شریعت که ما ظن خاص به انها نداریم اولا خلاف اجماع قطعی است.

همان اجماعی که می گوید ما اصالة البرائه داریم همان اجماع همشان می گویند چنین جایی که از اصالة البرائه لازم بیاید بخش عمده تکالیف نادیده گرفته شود اصالة البرائة جاری است و کلام اساسی سر کلام شیخ انصاری است که گفت اجماع قطعی داریم بر جریان اصالة البرائه.ص 388 الاجماع القطعی علی ان المرجع علی تعبیر باب انسداد العلم لیس هی البرائة

صفحه 399 ؛ انّه لا ریب لاحد فضلا انّه لاخلاف فی انه علی تقدیر عدم بیان التکلیف بالدلیل العام او الخاص فالاصل البرائة

ثانیا علاوه بر ان که اجماعی است ضروری است به گونه ایی که اگر کسی برائت را جاری کرد خروج از دین است. ثالثا با غمض عین از اجتماعی بودن و ضروری بودن از نظر فنی و صناعی جایی که علم اجمالی باشد و جریان اصل در اطراف علم اجمالی شما را به مخالفت قطعیه بیانداز، اصل برائت جاری نیست .

حال نوبت می رسد به قیدی که در کلام شیخ بود و ان این بود ص 396؛ فرمود

ما لم یصل المعلوم الاجمالی الی حد الشبهه الغیر المحصوره. شما کجا در اطراف علم اجمالی اصل برائت جاری نمی کنید در شبهه محصوره و شیخ هم می فرماید تا وقتی شبهه غیر محصوره است اصل برادت است. حال سوال در مجموعه ایی که شما میخواهید با ان روبرو شوید مگر شبهه محصوره است؟ شببه قطعا شببه غیر محصوره است. در شبهه غیر محصوره که اصل جاری کردن که اشکالی ندارد.

ایا شیخ متوجه این نکته نبوده است. جواب ان اشکال این است که در بحث شبهه غیر محصوره گاهی شبهه قلیل فی الکثیر است و گاه کثیر فی الکثیر است. انی که گفته اند شبهه غیر محصوره احتیاط لازم نیست قلیل در کثیر است اما اگر اطراف هزارتا شد این می شود کثیر در کثیر اینجا همان اقایان می گویند جای اصل برائت است. پس این جا اگر چه شبههه غیر محصوره است اما غیر محصوره اش از نوع کثیر فی الکثیر است.

این توضیح بحث ما تا اینجا. در صفحه 400 شما می دانید بحث علمی گاهی انسان تند می شود باید رعایت هایی بشود. هم عظمت شیخ غیر قابل انکار است وهم عظمت میرزا و این را هم مرحوم شیخ معترف است.

و صلی الله علی سیدنا و نبینا محمد صلی الله علیه و آله و سلم.